

سیمای زن در فرهنگ ایران

حلال ستاری



فهرست

۱	پیشگفتار
۵	درآمد
۳۶	احکام دین
۵۹	حلقه حوّا
۷۶	رن جاهلی
۹۶	ناسارواری
۱۲۷	سه مایع عمده
۱۴۴	عشق عدری
۱۶۸	علم ناه
۱۸۷	مورد نمونه اردواح
۲۳۳	انگیره‌های جهاشمول
۲۵۵	واکشها
۲۸۵	نتیجه

درآمد

در این کتاب، رقم ردن تصویری از رن ایرانی بدانگونه که در فرهنگ ایران پس از اسلام نقش بسته، مطور نگارنده است، و سایرین به موقعیت اجتماعی رن در ایران پیش از اسلام که صورت مثالی و قدسیش در اساطیر و حماسه به یاد سپردنی است^۱ و به مقام والای شهریاری بیر رسید، اما بنا به مقتضیات تاریخی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، به قولی، رویهمرفته سیری برولی داشت (و در این سخن حای حرف هست) نمی‌پردازد، و فقط به تدکار نکاتی چند، به عنوان درآمد بر بحث اصلی، سسده می‌کند^۲

متهی نظر به آنکه در بررسی حال و رور رن چه در ایران باستان و چه در عربستان جاهلی، همواره به این فرصیه نار می‌خوریم که نظام مادر سالاری بر نخستین حوامع بشری حاکم بوده است، بی‌ماست بیست که بحست تاریحیه نظام مادرشاهی را به احتصار بیاوریم تا هر نار محتاح به یادآوری فرصیه مرنور و تدکار عواقف و نتایح سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن بشویم و سپس به موضوع اصلی سخن خویش بپردازیم و اما بحث مربوط به نظام‌های مادرشاهی و پدرشاهی را به نقل از صاحب‌طر برحسته در تاریخ ماسسات رن و مرد الیرانت نادتر می‌آوریم که بنا به تحقیقات گسترده و عمیق و حامعش، بر نخستین حوامع بشری، به نظام مادرسالاری حاکم بوده است و به نظام پدرسالاری، بلکه رن و مرد، بیش از تاریخ و در آعار تاریخ، و طایف و مشاعل محتملی داشتند ولی همکار و مکمل هم بودند و هیچ چیز از پیش (a priori) مین برتری یکی بر دیگری

پرستش الهه مادر در سراسر شرق میانه آنرورگار، بدین معنا نیست که نظام مادرسالاری قدرتمندی حاکم بوده و مردان حر قوت لایموت بصیبی نداشته‌اند بلکه برعکس به احتمال قوی، مردان، صاحب قدرت سیاسی و در اعمال قدرت اقتصادی بربا ربا ن سهم و شریک بوده‌اند^۴

به هر حال چنین پیداست که دوران بوسگی، دوره فرمانروایی مادر است و از قدرت مرد سستاً کاسته می‌شود در توضیح مطلب نایدگفت که دو واقعیت محرر، مناسبات میان رن و مرد را در این دوران روشن می‌کند بحسب اینکه میان دوران شکار در عصر پارینه سنگی (paleolithique) و گسترش حگ و ستیر در عصر مبرع (bronze)، مردان اساساً نه دامداری و پیشه‌وری و سرانجام برب نه کشت و ورر پرداخته‌اند که همه، سست نه شکار و حگ، فعالیتهایی در درجه دوم اهمیت‌اند، ریرا رندگانی مردان را سان شکار حیوان و جگجویی، نه محاطره نمی‌افکند و بنابراین دور نیست که مرد در این دوران از دوره‌های دیگر، برم‌تر و آرام‌تر بوده، بحشی از شأن و حیثیت سابق حویش را از دست داده باشد هر چه هست دوران، دوران اعرار و اکرام ارزشهای مردانگی نیست و فقدان حدایان برینه قدرتمند، دال بر همین معنی است

واقعیت مسلم دوم، دیس‌ورری آشکار و بیچون و چرای حوامع بوسگی است وقتی رندگانی مردم با ورن و آهنگ اعمال حادوئی - مدهمی، میران شده باشد و آنان همواره از یک الهه استعانت حویند و به خاطر وی قربانی کند، چگونه ممکن است رن یعنی مطهر بشری آن الهه، در نظر کسانی که تحسد الهه بیستند، از مرلت و شرف والایی بهره‌مند باشد؟ و بدیهی است که عادت هزاران ساله نمار نه درگاه مادرمان که در زمین است، نمودار مقام و مرلت رن است، همانگونه که دعا نه درگاه پدرمان که در آسمان است، در دوران بعد، نمایشگر قدر و اعتبار مرد نه قول الیرات نادنر هرچا که حدایی قادر متعال، حکومت می‌کند، مرد، حاکم دیاست و پدر، حاکم خانواده اما در دوران بوسگی حال بدین سوال نیست، ریرا رن «سلطت می‌کند، نه حکومت»، و البته اربحخت که حیات اقتصادی با پرستش الهه مادر، پیوند تگاتگی داشته

نیست، نالعکس بر اثر تعاون و تشریک مساعی، مناسبات متعادل و متواری بین آنان پدید آمده، استحکام یافته بود بنابراین در آن رورگاران دور دست، نه نظام مادرسالاری^۳ حاکم بوده است و نه نظام پدرسالاری، بلکه آمیره‌ای از آن دو، عملاً مراعات می‌شده است^۴، چون رن و مرد، هر یک، قدرت و توانایی خاصی داشتند که برای تأمین معاش ضرور بود، بدین معنی که ربا نه گردآوری مواد حوراک (دانه، میوه و غیره) می‌پرداختند و مردان نه شکار، گرچه با نه تحقیقی در آفریقا، کارهایی که رن و مرد انجام می‌دادند، ارزش برابری نداشت، یعنی ارزش کار سسته نه کمیت و مقدار کار یا سسته نه مهارت در انجام دادن کار بود، چنانکه تلاش ربا برای گردآوردن حوراک، سه چهارم منابع حوراک قوم یا طایفه را فراهم می‌آورد، ولی این امر موحد نمی‌شد که ارزش کارشان سراسر با ارزش کار حطرباک شکارچیان باشد و تنها کار ایان دارای شأن و مرلت حقیقی نه شمار می‌آمده^۵ معدلک، نه اعتقاد الیرات نادنر، رن و مرد در آعار، یعنی پیش از تاریخ، در کار و رندگی، همکار و شریک و مکمل هم بودند، ریرا هر یک توانایی خاصی داشت که برای انجام دادن کاری ضرور بود و بر اثر این تفکیک قوا و وظایف، نوعی تعادل و توازن در مناسبات میان رن و مرد نه وجود آمده بود و ارزش یکی برابر با ارزش دیگری بود بنابراین برحلاف اعتقاد سیمون دو بووار^۶، قول نه اینکه رن غیر از مرد بوده است و هست، نه معای نادیده گرفتن روابط متقابل و دو سری میان آنان و یا بدین معنی که رن موحودی «اساسی» نمی‌نموده است (inessentiel) نیست، بلکه برعکس بدین معاست که چون ربا، گروهی با قدرت و توانایی خاصی، متفاوت با مردان بودند، می‌تواستند در مراده با مردان، سستاً صاحب اراده و استقلال باشند، نه منحصرأ فرمانبردار^۷

اما پس از دوران گردآوری حوراک و شکار، یعنی در عصر بوسگی (néolithique)، رن قدرت بسیار می‌یابد و شأن و مرلثی شایان کسب می‌کند، ریرا در این دوران، کار رن کشاورری و مشعله مرد دامداری است و بنابراین رن نه اقتضای کار و اشتعالش، مادر و سرور طبیعت دانسته می‌شود و کیش پرستش رن ایردان رواج می‌یابد متهی رواج کیش